

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی

۰۷ می ۲۰۱۳

نگاهی به مارش روز جهانی کارگر

در جهان و ایران و موقعیت فلاکت بار کارگران ایران!

بار دیگر، روز جهانی کارگر را به کارگران جهان و ایران تبریک می گویم. حدود دو قرن از شکل گیری آن می گذرد، اما روزه روز اعتراضات و اعتصاب کارگران گسترش پیدا می کند و در اول ماه می ها به اوج خود می رسد. در این روز، میلیون ها کارگر در شهرهای بزرگ و کوچک جهان، روز جهانی خود را گرامی می دارند و به مطالبات و خواسته های خود، با برپائی تظاهرات و راه پیمائی، سمینار و سرودخوانی و جشن تأکید می کنند. شکل گیری این روز به جنبش کارگری ایالات متحده آمریکا در اول ماه می ۱۸۸۶ میلادی باز می گردد. هم زمان با این روز، کارگران امریکائی در شهر شیکاگو در اعتراض به شرایط کار، ضمن درخواست کاهش ساعات کار روزانه از ۱۰ به هشت ساعت، اعتصابی گسترده را آغاز کردند. قرار بود، روز اول ماه می، کاهش ساعت کار در آمریکا به اجراء گذاشته شود که این وعده اجرائی نشد و یک درگیری خونین بین کارگران و مأمورین سرکوبگر امنیتی منجر شد.

رهبران کارگران شیکاگو جان باختند؛ اما حقانیت مبارزه و گفته هایشان، سال ۱۸۸۹ میلادی در کنگره بین المللی کارگران در پاریس، با نامیدن روز اول ماه می (۱۱ اردیبهشت) به عنوان روز جهانی کارگر ثبت شد. از آن تاریخ تاکنون، در بسیاری از کشورهای دنیا، کارگران با برپائی تظاهرات گسترده این روز را گرامی می دارند و در تجمعات خود علیه سرمایه داران و آلترناتیوهای طبقاتی خود سخن می گویند. اما جالب است که دولت ایالات متحده آمریکا، که همواره ادعای آزادترین و دموکرات ترین کشور جهان را دارد، از معدود کشورهایی است که این روز را به عنوان روز کارگر نپذیرفته است.

کنگره مؤسس انترناسیونال دوم، قطعنامه ای صادر کرد که در آن تمام کارگران جهان را به اعتصاب و تظاهرات در اول ماه می ۱۸۸۰، فراخواند. در این روز، کارگران اروپا، آمریکا و نیز چند کشور امریکای لاتین به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. در این روز، فقط در هایدپارک لندن، نیم میلیون کارگر تجمع کرده بودند که فردریش انگلس، یار دایمی مارکس نیز در آن حضور داشت. از آن تاریخ اول ماه می، به عنوان روز جهانی کارگر گرامی داشته می شود.

هدف این مطلب، گاهی به مهم ترین وقایع روز جهانی کارگر در جهان و ایران و سپس بررسی موقعیت کارگران ایران است. در شرایطی که در اثر بحران های اقتصادی، بی کاری و گرانی و فقر در جهان تعمیق و گسترش یافته اول ماه می امسال، به لحاظ کمی و کیفی نسبت به اول ماه می های گذشته، رشد داشت. سرمایه داران در جهت جلوگیری از کاهش سودشان، کارگران زیادی را اخراج کردند، دستمزدها را منجمد نمودند؛ سن بازنشستگی را بالا بردند و شدت استثمار را افزایش دادند.

روز جهانی کارگر، جمعیت زیادی با سر دادن شعارهای رادیکال علیه سیستم سرمایه داری و دولت های سرمایه داری، در خیابان ها دست به تظاهرات و راه پیمائی زدند، سرود انترناسیونال خواندند و حتی در برخی کشورها، با تهاجم پولیس روبه رو شدند و دست به مقاومت و ایستادگی زدند.

امسال کارگران در حالی به استقبال روز جهانی خود شتافتند که علاوه بر فجایع کاری، صدها کارگر نیز به دلایل بی توجهی کارفرمایان و تهاجم وحشیانه پولیس جان خود را از دست داده اند.

اخیراً بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران چندین کارخانه پوشاک در یک ساختمان چند طبقه در داکا، پایتخت بنگله دیش، جان خود را از دست دادند. به گزارش «یورونیوز»، تعداد کارگران قربانی به ۶۱۰ نفر بالغ گردید. هنگام فرو ریختن این ساختمان در حدود دو هفته پیش، بیش از سه هزار کارگر در آن حضور داشتند. با گذشت زمان شناسائی اجساد سخت تر شده و خانواده های قربانیانی که هنوز اجساد آنان یافت نشده بیش از پیش امید خود را از دست داده اند. ریزش این ساختمان و جانباختن صدها کارگر شاغل در آن، اعتراضات گسترده ای را از جانب کارگران و مدافعان حقوق کارگران در بنگله دیش و سایر نقاط جهان در پی داشته است. تظاهرات روز کارگر در این شهر، در ابعادی وسیع تر برگزار شد. پنج ماه پیش هم وقوع آتش سوزی در یک کارخانه تولید پوشاک یکصد و دوازده نفر را کشت. در آن زمان، مقامات بنگله دیشی وعده دادند که به اقدامات لازم برای بهبود ایمنی کار دست خواهند زد. صبح روز چهارشنبه، اول ماه می، ده ها هزار نفر از کارگران خشگمین و مردم معترض بنگله دیشی به خیابان های پایتخت آمدند و خواستار مجازات عاملان مرگ این کارگران شدند.

هم چنین در روز پنجشنبه ۱۶ اگست ۲۰۱۲ برابر با ۲۶ مرداد [اسد] ۱۳۹۱، نیروهای پولیس افریقای جنوبی کارگران اعتصابی و مبارز «معدن پلاتین ماریکانا» را به رگبار گلوله بستند. طبق خبر خبرگزاری رویترز و به نقل از فرمانده عالی پولیس ۳۸ کارگر در این قتل عام کشته شدند و حدود ۲۰۰ نفر زخمی گشتند. این فرمانده پذیرفت که از قبل به افراد آدم کش تحت فرمان خود اجازه داده بوده تا هر کاری که لازم می دانند انجام دهند تا به این اعتصاب خاتمه دهند. او با بی شرمی تمام از جنایت و آدم کشی انجام گرفته دفاع کرد. نیروهای پولیس پس از انجام کشتار بلافاصله با هلیکوپترها و نیروهای زمینی تقویت شدند، کارگران باقی مانده را محاصره کردند و ۲۵۹ نفر را دستگیر نمودند. یک مقام پولیس برای توجیه نمودن اعمال شنیع و سرکوبگر پولیس ادعا نمود که کارگران اعتصابی به سلاح های سرد مسلح بوده اند، و حتی یک نفر از آن ها طپانچه حمل می کرده است.

معدن پلاتین ماریکانا در ۱۰۰ کیلومتری شمال ژوهانسبورگ واقع است و متعلق به شرکتی است به نام «لانمین» که به سرمایه داران انگلیسی تعلق دارد. ۳۰۰۰ کارگر مته کار سنگ این معدن در روز جمعه ۲۰ مرداد سال ۱۳۹۱، با خواست دوبرابر شدن دست مزد خود، که ۶۲۵ دالر در ماه می باشد، اعتصاب کردند. آن ها بر روی تپه ای مسلط بر معدن اجتماع نمودند و مطالبات خود را طرح نمودند. «اتحادیه سراسری معدنچیان»، که دولتی است، از اعتصاب حمایت نکرد. اما «انجمن اتحادیه معدنچیان و کارگران ساختمانی» پشتیبانی کامل خود را از کارگران

اعتصابی اعلام نمود. این انجمن که یک سوم کارگران معدن را نمایندگی می کند اخیرا به دلیل این که «اتحادیه سراسری معدنچیان» بر علیه کارگران و از دولت حمایت می کند، از آن جدا شده است.

نیروهای پولیس از همان روز شروع اعتصاب، به طور سازماندهی شده و سیستماتیک کوشیدند با استفاده از باتوم، پرتاب نارنجک های دود زا و گاز اشک آور تحصن اعتصاب کنندگان را درهم شکنند. طی شش روز کشمکش با کارگران، پولیس در انجام مقاصد ضد کارگری و سرکوبگرانه خود ناکام ماند و سرانجام دست به کشتاری زد که از دور G پایان آپارتاید در ۱۸ سال قبل تاکنون در این کشور بی سابقه بوده است.

در جریان بمب گذاری های روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در عراق، تعدادی جان خود را از دست دادند و شماری نیز زخمی شدند. در جریان وقوع چندین انفجار در مناطق مختلف عراق از جمله «بغداد، فلوجه، رمادی، و انبار» دست کم ۲۲ تن کشته و بیش از ۳۵ نفر دیگر به شدت زخمی شده اند.

در سوریه نیز M، مورین آدم کش حکومتی به سرکوب و کشتار مردم ادامه می دهند. به گزارش «بی بی سی»، در جریان حمله هوایی ارتش سوریه به مواضع مخالفان دولت، شماری کشته و زخمی شدند. برپایه این گزارش در جریان حمله هوایی ارتش سوریه به مواضع مخالفان در مرز ترکیه دست کم ۵ تن کشته و شماری نیز زخمی شدند.

قحطی سال ۲۰۱۱ در شاخ افریقا ۱۳ میلیون نفر را در چند کشور دچار مشکل کرده اما سومالی بیش از هر کشور دیگری آسیب دیده است. ظرف دو سال قحطی از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ میلادی نزدیک به ۲۶۰ هزار نفر از مردم سومالی کشته شده اند که نیمی از آن ها کودکان زیر ۵ سال بوده اند.

علاوه بر این، حدود ۸۷۰ میلیون نفر از زنان و مردان در سراسر جهان از درآمد کافی برخوردار نیستند. سیاست های پولی و مالی نتوانسته به اثربخشی مناسبی در اقتصادها منجر شود.

هم زمان با روز جهانی کارگر، سازمان جهانی کار اعلام کرد آمار بی کاری در نقاط مختلف جهان به بیش از ۲۰۰ میلیون نفر رسیده است. با توجه به این آمار، کشورها نیاز به ایجاد ۴۷۰ میلیون فرصت شغلی جدید در فاصله سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ دارند. در میان کشورهای جهان، بحران اروپا بسیار بالاست. نرخ بی کاری در منطقه یورو، به ۱۲/۱ درصد رسیده است.

سازمان جهانی کار، در تازه ترین گزارش خود با اشاره به برگزاری جلسات بهاره بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هشدار داد: چشم انداز خوبی از بازیابی مشاغل وجود ندارد و تلاش ها نتوانسته منجر به ایجاد اشتغال و کاهش فقر در سطح بین المللی شود. سیاست های فعلی برای مقابله با بحران جهانی شکست خورده و نتوانسته منجر به جلوگیری از افزایش بی کاری در اقتصادهای پیشرفته شود. هم چنین باعث به تاخیر انداختن رشد در کشورهای در حال توسعه شده است.

چشم انداز اشتغال در اروپا، ایالات متحده و ژاپن تیره و تار است و نرخ بی کاری جوانان در جنوب اروپا و شمال آفریقا، بسیار فاجعه بار است. از سوئی دستمزدهای واقعی عملا راکد است و به جز کشور چین، نابرابری درآمدها در بسیاری از کشورها گسترده تر است.

هم اکنون میلیون ها کودک کار و خیابانی در جهان به کارهایی چون کودکان کار جنسی، کودکان گل فروش، کودکان حمل کننده مواد مخدر، کوره پزخانه ها، کودکان کار خانگی، کارخانه ها، مزارع، دامداری ها و کار می کنند. در کشورها و مناطقی که فقر بالایی دارند ریشه های شکل گیری کار کودک در آن جهه بیش تر است. مشکلات اجتماعی عدیده ای هم چون فقر، بی کاری، تورم، گرانی، از دست دادن سرپرست خانوار، گسترش ناهنجاری های اجتماعی و... از علل این پدیده به شمار می آیند.

گزارش‌ها، نشان می‌دهد که ۲۷۵ میلیون کودک کار و خیابان در جهان زندگی غیرانسانی دارند. گزارش‌های تحقیقی، حاکی است که به زودی شمار جمعیت زاغه‌نشین، حاشیه‌نشین و فقیرنشین اکثریت جمعیت شهری جهان را تشکیل خواهد داد. ۴۵ میلیون نفر از مردم آمریکا، از کوچکترین امکانات بیمه‌ای محرومند.

۹۰ درصد از ۳۰ میلیون کارگران نساجی را زنان تشکیل می‌دهند. اکثر کارگران کشورهای آسیایی زنان جوان می‌باشند که به عنوان کارگران مهاجر به هند، چین یا بنگله دیش برای کار مهاجرت می‌کنند تا بتوانند زندگی بخور و نمیر خانواده خود را تأمین کنند. این زنان هفته‌ای هفت روز بر روی خط تولید زنجیره‌ای کار کرده و اغلب وادار به اضافه کاری، بدون دریافت دست‌مزد، می‌شوند. این زنان کارگر به عنوان زن دائماً تبعیض جنسی را در محیط کار خود احساس می‌کنند، در برابر کار برابر با مردان دست‌مزدی کم‌تر از آن‌ها دریافت می‌کنند و به طور دائم از طریق روسای مرد خود تحت آزار جنسی و مجازات قرار می‌گیرند.

طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و هفت درصد در امریکای لاتین زندگی می‌کنند. این کودکان به علت نوع زندگی که دارند، کودکی نمی‌کنند و خیلی زود وارد فضای بازار کار بی‌رحم و خشن می‌شوند. این کودکان، به علت نوع حرفه‌شان در معرض انواع آسیب‌ها و بزه‌های اجتماعی قرار دارند و متأسفانه هم از لحاظ مالی و هم از نظر بهداشت روانی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

مسئله کار کودکان به نوبه خود جنایتی است که سیستم سرمایه‌داری و دولت‌های آن‌ها، علیه کودکان کار و خیابان اعمال می‌کنند. ۷۲ درصد این کودکان بی‌سواد و کم‌سواد هستند یا در حد ابتدائی سواد دارند و ۱۷ درصد کودکان کار و خیابان اصلاً مدرسه نرفته‌اند و این بی‌سوادی و کم‌سوادی در فرایند زندگی این افراد تأثیر سوء دارد. حدود ۵۹ درصد کودکان کار استعمال دخانیات را تجربه کرده‌اند، ۶/۴ درصد کودکان کار و خیابان سابقه تزریق مواد مخدر را دارند.

امروز در جهان، ۳/۱ میلیارد نفر در زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. شمار گرسنگان جهان به ۸۵۰ میلیون نفر بالغ می‌شود که بیش‌تر شامل کودکان و زنان است.

در ایران نیز در ماه‌های اخیر بی‌کاری و گرانی به اوج خود رسیده و حتی اکثریت خانواده‌های کارگری نگران تأمین نیازهای روزمره خود هستند. مأمورین امنیتی و پولیس حکومت اسلامی، در برخی شهرهای ایران به تجمعات کارگران حمله کردند و چهار نفر را نیز در اراک اعدام کردند. رقم کودکان کار در ایران، به سه میلیون نفر رسیده و بی‌کار زنان در سال گذشته خورشیدی، دو برابر شده است.

با این مقدمه، به نمونه‌هایی از مراسم‌های روز جهانی کارگر می‌اندازیم و سپس بحث خود را در رابطه با مبارزات کارگران ایران، ادامه می‌دهیم.

بنگله دیش

با توجه به حوادث مرگبار کارگری در بنگله دیش، بهبود ایمنی کار از خواست‌های اصلی کارگران است. به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در داکا، پایتخت بنگله دیش، تظاهرات گسترده‌ای برگزار شده و شرکت کنندگان در این تظاهرات، از دولت خواسته‌اند به اقداماتی برای بهبود ایمنی کار مبادرت کند.

هزاران تن در این راه پیمائی شرکت داشتند و با دادن شعارهایی، خواستار آن بودند که مالک ساختمانی که ریزش آن صدها کشته برجای گذاشته، به اشد مجازات محکوم شود.

هفته گذشته، ساختمانی در حومه داکا که محل فعالیت پنج کارگاه تولید پوشاک بود فرو ریخت و در اثر آن، بیش از ۵۰۰ کارگر جان باختند. تعداد مجروحان این حادثه به ۲۵۰۰ نفر رسید و احتمال دارد هنوز اجساد دیگری زیر آوار مانده باشد. کارگاه های مستقر در این ساختمان عمدتاً تولید کننده لباس برای چند شرکت غربی بودند. این حادثه که بدترین حادثه صنعتی تاریخ بنگله دیش بود، خشم و اعتراض کارگران صنعت پوشاک را برانگیخت. تظاهرات این کارگران در داکا پایتخت و شهرهای دیگر گاهی به زدو خورد با پولیس منجر شد و در بعضی موارد پولیس مجبور به محافظت از کارگاه های تولید پوشاک شد.

پس از این فاجعه عظیم انسانی، هشت نفر از جمله مالک و مهندسان کارخانه به دلیل سهل انگاری و بی توجهی به ایمنی کارگران دستگیر شده اند. محمد سهیل رعنا صاحب ساختمان رعنا پلازا، رهبر محلی شاخه جوانان حزب عوامی لیگ (حزب حاکم بنگله دیش) هم در بین دستگیر شدگان است.

بخش وسیعی از پوشاک های تولید شده با مارک های معروف، در کارگاه ها و ساختمان های فرسوده ای تولید می شوند که در کشور بنگله دیش قرار دارند. حقوق متوسط کارگرانی که در این کارگاه های فرسوده و مخروبه مشغول به کارند کم تر از ۵۰ سنت در روز است.

ساعات کار طولانی ۱۲ ساعته در این کارگاه ها امری عادی است و سودهای کلان صاحبان سرمایه از این کارگاه ها سبب می شود تا سیستم سرمایه داری چشم خود را به هر گونه بی حقوقی و استثمار وحشیانه کارگران ببندد و تنها به فکر سود خود باشد.

در این ساختمان چند طبقه، چهار شرکت تولیدی نساجی که عمدتاً برای صادرات، لباس تولید می کنند، مستقر بودند. یکی از این شرکت ها «نیو ویو» (New Wave) است که در وب سایت آن، ۲۷ مشتری از کشورهای آلمان، دانمارک، فرانسه، انگلیس، ایرلند، اسپانیا و امریکا دیده می شود.

رشته نساجی بنگله دیش در ده سال گذشته رشد بی سابقه ای را تجربه کرده است. بالا رفتن دستمزدها در چین و پائین بودن آن در بنگله دیش، صنعت نساجی بنگله دیش را در موضع رقابتی قوی قرار داده است. حدود ۸۰ درصد از کل صادرات بنگله دیش به کالاهای «کارگاه های خیاطی ارزان» این کشور تعلق دارد. اگر چه بنگله دیش در شمار توسعه نیافته ترین کشورهای جهان قرار دارد اما صنایع نساجی آن پس از چین دومین صنعت بزرگ نساجی جهان را تشکیل می دهد. صنعت نساجی بنگله دیش با بیش از دو میلیون کارگر که در ۵۵۰۰ کارگاه شاغل هستند سالانه فروشی برابر ۲۰ میلیارد دلار به خود اختصاص می دهد.

ترکیه

در شهر استانبول ترکیه، سنتا و تاریخا «میدان تقسیم»، محل برگزاری جشن اول ماه می است. چرا که تجمع در میدان تقسیم استانبول، نزدیک به سه دهه برای کارگرانی که خواسته اند در روز اول ماه می گردهم آیند، سرود انترناسیونال بخوانند و به سیاست های ضدکارگری سرمایه داران و دولت اعتراض کنند، ممنوع بوده است.

این میدان، یادآور کارگران جان باخته ای است که در اول ماه مه ۱۹۷۷، مورد هجوم مسلحانه پولیس مخفی «میت» قرار گرفتند و بیش از ۳۰ نفر از کارگران در جریان این حمله جان خودشان را از دست داده، صدها نفر زخمی و ۴۵۳ نفر نیز بازداشت شدند. در آن روز، بیش از ۵۰۰ هزار کارگر در میدان تقسیم تجمع کرده بودند که با شلیک پولیس مخفی وحشت زده شدند و در حال پراکنده شدن نیز مجدداً هدف تیراندازی پولیس قرار گرفتند.

طولی نکشید که ژنرال های ارتش نیز در سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتای نظامی زدند و دیکتاتوری نظامی برقرار کردند، تعطیلی اول ماه می را لغو نمودند و تجمع کارگران در میدان تقسیم را نیز ممنوع کردند.

حکومت نظامی در نخستین اطلاعیه های خود پس از کودتا، کنفدراسیون کارگران انقلابی «دیسک» را ممنوع کردند و اموال آن را نیز مصادره نمودند. حدود ۸۰۰ نفر از فعالین و رهبران این سندیکا را زندانی کردند و ده ها تن را در زیر شکنجه به قتل رساندند. با مبارزه پیگیر کارگران، در سال ۱۹۹۱ ممنوعیت فعالیت این کنفدراسیون، لغو شد.

دولت رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه؛ امسال با برگزاری مراسم روز کارگر در میدان «تقسیم» استانبول مخالفت کرد ولی اعضای اتحادیه های کارگری، احزاب چپ و سوسیالیست و مردم آزاده از صبح روز چهارشنبه در تلاش بودند که وارد میدان شوند.

هزاران پولیس به منطقه اعزام شده بود و تمامی جاده های منتهی به این میدان را نیز تا چندین کیلومتر مسدود کرده بودند.

امسال دولت ترکیه در حالی با برگزاری مراسم اول ماه می در میدان تقسیم مخالفت کرد که در سال ۲۰۱۰، یعنی بعد از سی و سه سال وقفه، مجوز برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در این میدان را صادر کرده بود. هم چنین روز جهانی کارگر در سال ۲۰۱۰، در اثر فشار اتحادیه های کارگری به عنوان روز تعطیل رسمی اعلام شد.

سال گذشته نیز روز اول ماه می، کارگران با تهاجم پولیس روبرو شدند که علاوه بر پولیس، نیروهای ضدشورش نیز با تانک و گاز اشک آور و باتوم به جنگ تظاهر کنندگان رفتند و خیابان های استانبول، به صحنه مقاومت کارگران در برابر خشونت سازمان یافته نیروهای سرکوب گر دولتی تبدیل شد.

تظاهر کنندگان استانبول که به دعوت احزاب چپ و سندیکاها جمع شده بودند با پرتاب سنگ به سوی نیروهای پولیس و فریادهای «مرگ بر فاشیسم»، «زنده باد اول ماه می» به مقابله پرداختند.

امسال نیز در استانبول نیز پولیس برای متفرق ساختن هزاران نفر از تظاهر کنندگان از گاز اشک آور و خودروهای آب پاش استفاده کرد. در زد و خورد های پراکنده بین نیروهای پولیس و تظاهر کنندگان دست کم ۱۶ نفر مجروح و تعدادی نیز دستگیری شدند.

بر اساس آخرین داده نهاد های رسمی و مدنی در حوزه کار، تعداد کارگران رسمی در ترکیه افزون بر ۱۰/۸ میلیون نفر است که ۲۱/۹ درصد آن ها عضو سندیکا های کارگری هستند.

در حال حاضر در ترکیه ۹۲ سندیکای کارگری فعال است. برای این که سندیکاها حق انعقاد قرارداد دسته جمعی با کارفرمایان اعم از دولتی یا بخش خصوصی را کسب کند، باید حداقل سه درصد کارگران در یک رشته را نمایندگی کند و حداقل نیمی از کارگران شاغل این رشته در سندیکا عضو باشند.

در هر محل فقط یک سندیکا می تواند قرارداد دسته جمعی با کارفرما منعقد کند. بر اساس قوانین کار ترکیه، حدنصاب «مشاغل» برای فعالیت سندیکاها، نمایندگی کردن حداقل یک درصد کارگران شاغل این بخش است. تعداد این نوع تشکل ها ۴۹ مورد گزارش شده است.

بزرگ ترین اتحادیه کارگری ترکیه، سندیکای 'ترک متال' است که ۱۵۱ هزار عضو دارد. سندیکای «تکسیف» که مربوط به اتحادیه کارگران شاغل صنایع نساجی و پوشاک است با ۵۴ هزار عضو در ردیف دوم قرار دارد، سندیکای «خدمت ایش» که کارگران بخش خدمات را پوشش می دهد نیز با ۵۰ هزار عضو سومین اتحادیه بزرگ کارگری ترکیه است.

سندیکاهاى كارگرى در تركيه در زير چتر حمايت سه كنفدراسيون بزرگ كارگرى جمع شده اند. «ترك - ايش» بزرگ ترين كنفدراسيون كارگرى تركيه است كه حدود ۷۱ درصد كارگران عضو سندیکاها را تحت پوشش دارد. «حق - ايش» ديگر كنفدراسيون كارگرى است كه ۱۶ درصد كارگران و «ديسك» كنفدراسيون كارگران انقلابى ۱۰ درصد افراد عضو اتحاديه هاى كارگرى را تحت پوشش دارد.

دولت در قبال انتقاد تند اتحاديه هاى كارگرى از سياست هاى خود مدعى است كه در ۱۰ سال اخير اصلاحات زيادى در خصوص تأمين حقوق كارگران انجام داده است.

ظفر چاغلایان وزير اقتصاد تركيه، به مناسبت روز جهانى كارگر طى پيامى، ادعا كرد: «در چهار سال اخير براى پنج ميليون نفر شغل ايجاد شده است.» به گفته او، اشتغال زائى در اقتصاد تركيه در حالى مطرح است كه بحران اقتصادى جهان را در نوردیده و بسيارى از اقتصادهاى بزرگ در تقلاى خروج از بحران و ركود جدى هستند. چاغلایان، با اشاره به اهداف بلندپروازانه دولت براى سال ۲۰۲۳، كه يكصدمين سال تاسيس جمهورى تركيه است، افزود: دسترسى به ۵۰۰ ميليارد دلار صادرات، ۱۵۰ ميليارد دلار صادرات خدمات، ۲۵ هزار دلار درآمد سرانه و قرار گرفتن در رديف ۱۰ اقتصاد بزرگ جهانى، بدون پشتوانه مردم اعم از كارگر و اصناف ممكن نخواهد شد و اين اهداف فقط در صورتى محقق مى شود كه همه دست به دست هم داده و «فداكارى» كنند.

كامبوج

در كامبوج، كارگران براى افزايش دستمزدها و بهبود شرايط كار به سوى پارلمان اين كشور تظاهرات كردند تا درخواست خود مبنى بر افزايش حداقل دستمزد به ۱۵۰ دلار در ماه در كارخانه هاى پوشاك را به مجلس ارائه كنند.

اندونزى

به گفته پوليس، ۵۵ هزار نفر در جاكارتا، پايتخت اندونزى گرد آمدند كه ركوردى در سال هاى اخير به شمار مى رود. آن ها در تظاهرات خود خواهان افزايش دستمزد و توزيع عادلانه ثروت شدند. شركتكنندگان در تظاهرات روز كارگر جاكارتا، هم چنين عليه خصوصى سازى شعار مى دادند و خواهان افزودن سه دلار به ۱۱ دلار حداقل دستمزد تعيين شده كنونى شدند.

هنگ كنگ

در هنگ كنگ، يكي از مراكز مالى بزرگ جهان، پنج هزار نفر در همبستگى با اعتصاب كارگران بنادر دست به تظاهرات زدند.

يونان

به گزارش خبرگزارى هاى بين المللى، در يونان فراخوان دو اتحاديه كارگرى براى اعتصاب ۲۴ ساعته كشور را به حالت نيمه فلج در آورد و صبح روز چهارشنبه حمل و نقل عمومى در آتن، پايتخت اين كشور عملاً متوقف شد. ده ها هزار نفر از مردم يونان هم در اعتراض به سياست هاى اقتصادى دولت و نرخ بالاى بى كارى در شهرهاى بزرگ دست به تظاهرات زدند.

تظاهرکنندگان خواهان پایان سیاست های ریاضتی دولت یونان هستند که منجر به افزایش شدید بی کاری به خصوص در میان جوانان شده است.

یونان در ششمین سال رکود اقتصادی خود به سر می برد اما دولت این کشور می گوید سیاست های ریاضتی برای دریافت کمک های مالی بیش تر جامعه جهانی ضروری است.

اتحادیه های کارگری یونان می گویند سیاست های دولت باعث شده تا نرخ بی کاری در کشور به ۲۷ درصد برسد. نرخ بی کاری در میان جوانان ۶۰ درصد است.

اسپانیا

در اسپانیا هم که نرخ بی کاری به رکورد ۲۷ درصد رسیده، دو سندیکای اصلی این کشور از مردم دعوت کرده بودند که در ۸۰ شهر این کشور به خیابان ها سرازیر شوند.

المان

سندیکای سراسری المان (دگ ب) روز چهارشنبه اول ماه می، اعلام کرد که حدود ۴۲۵ هزار نفر در روز جهانی کارگر در سراسر المان تظاهرات کرده اند. گفته می شود این تعداد شرکت کننده بیش از شرکت کنندگان سال گذشته در راهپیمایی های اول ماه می در المان بوده است.

میشائیل زومر، رئیس سندیکای سراسری المان (دگب)، در سخن رانی خود گفت: «شمار زیاد شرکت کننده در راه پیمایی های روز اول ماه می در المان، نشان دهنده این موضوع است که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳ در این کشور هیچ نیروئی نمی تواند به خواست کارگران توجه نکند.» شعار بیش از ۴۰۰ برنامه که سندیکای سراسری المان به اجرا درآورد، چنین بود: «اول ماه می روز ماست. پیش به سوی کار خوب، حقوق بازنشستگی مطمئن و عدالت اجتماعی در اروپا».

فرانسه

به گزارش اول ماه مه سندیکای ت.ژ.ت، در پی فراخوان سه سندیکای ت.ژ.ت، سولیدرواف.اس.یو، ۱۶۰۰۰۰ نفر در سراسر فرانسه در ۲۸۶ تظاهرات، راه پیمایی و تجمع، شرکت کردند.

روز اول ماه می، کارگران بخش های دولتی، خصوصی و بازنشستگان علیه اخراج، بی کاری، کاهش حقوق کارگران و مستمری بازنشستگان و سیاست های ریاضت اقتصادی و... اعتراض کردند.

فیلیپین

در فیلیپین تظاهرکنندگان در مانیل خواهان حمایت از مشاغل موجود شدند و از دولت خواستند استخدام پیمان کاران و کارگران موقت را متوقف کند. پیمان کاران از مزایای استخدام رسمی استفاده نمی کنند. در کامبوج کارگران از قانون گذاران کشور خواستند حداقل دست مزد را افزایش دهد.

کردستان عراق - سلیمانیه

روز چهارشنبه مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در شهر سلیمانیه با حضور صدها تن از کارگران و نمایندگان احزاب و تشکل های مدنی و سیاسی برگزار گردید.

در جریان برگزاری این مراسم که به فراخوان تشکل کارگران ساختمانی در کردستان برگزار گردید، جمعی از کارگران و فعالین کارگری ایرانی مقیم شهر سلیمانیه نیز شرکت داشتند. آنان با خود پوستره های فعالین کارگری در بند در زندان های حکومت اسلامی و پلاکاردهائی حمل می کردند و خواهان آزادی بدون قید و شرط آنان شده بود.

۱۱ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۲، روز جهانی کارگر در ایران

در ایران نیز هم چون دیگر کشور ها، روز اول ماه می برابر با ۱۱ اردیبهشت، به عنوان روز کارگر شناخته می شود. اما حکومت، همواره سعی می کند این مراسم ها تحت کنترل دولتی صورت گیرد و خارج از آن و برپائی مراسم های مستقل کارگری شدیداً سرکوب می گردد. تا سال ۱۳۸۶، ارگان رسمی حکومت در درون طبقه کارگر، یعنی خانه کار و شوراهای اسلامی کار، مجوز راه پیمائی هائی را به مناسبت این روز دریافت می کردند اما کارگران رادیکال و پیشرو، با سر دادن شعارها و مطالبات خود، کنترل را از دست گردانندگان آن خارج می کردند به این دلیل، از آن سال تاکنون، وزارت کشور از صدور مجوز برای راه پیمائی های خانه کارگر، خودداری کرده است. از آن، پس خانه کارگر مراسم های روز کارگر خود را در سالن های سرپوشیده و کنترل شده برگزار می کند. بنابراین، اول ماه می امسال در ایران، با وجود فضای امنیتی - پولیسی در شهرهای مختلف به ویژه تهران و شهرهای کردستان برگزار شد.

سندج

طبق گزارشات، عصر چهارشنبه با وجود شدیدترین فضای امنیتی و پولیسی در شهره سندج، صدها تن از کارگران، فعالین کارگری و زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب سندج با برگزاری تظاهرات، اول ماه می روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

تظاهرکنندگان از ابتدای خیابان «غفور» تا میدان اصلی «غفور» شهر سندج، با سر دادن شعار و با در دست داشتن پلاکاردهائی با مضامین «کار مسکن آزادی»، «کارگر اتحاد اتحاد»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، « دولت سرمایه دار خجالت خجالت» و... به مدت پانزده دقیقه اقدام به راه پیمائی و تظاهرات نمودند.

کارگران تا مسیر سه راه خیابان فجر؛ خیابان حسن آباد و قائم مقام فراهانی راه پیمائی کردند. نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت که تمام قوای خود را در سایر نقاط شهر مستقر نموده بودند در لحظات پایانی این تظاهرات، خود را به محل رساندند و با مردم محل و تظاهرکنندگان درگیر شدند که با پراکنده شدن تظاهرکنندگان به پایان رسید. بر اساس گزارشات، تعداد دستگیر شدگان ۱۶ نفر است.

کارگران شهر سندج طی قطعنامه ای ضمن گرامی داشت اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران، بخشی از خواست ها و مطالبات خود را در یازده بند بیان کردند.

در قسمتی از این قطعنامه از جمله تصریح شده است: «نظام سرمایه داری ایران به موازات سیاست های شرکای جهانی خود و در ادامه برنامه های ضد کارگری خویش، با تعیین دست مزدهای چند برابر زیر خط فقر، با توجه به متناسب نبودن آن با نرخ واقعی تورم به وضوح مرگ تدریجی را به کارگران و زحمت کشان تحمیل نموده و

سرنوشت آنان را به دست گردباد تند اقتصادی سپرده است. طبقه کارگر با توجه به وخامت روزافزون شرایط اقتصادی و یورش گسترده سرمایه داری به سطح زندگی و معیشت خود، چاره ای جز اتحاد و همبستگی طبقاتی و متشکل شدن در صفوفی به هم تنیده در تشکل های مستقل و سراسری را ندارد.»

اول ماه می ها در سنندج، در پرتو سرکوب و خفقان، همواره برگزار می شود و قطعنامه های رادیکال خود را نیز در این مراسم ها به تصویب می رساند. جمال چراغ ویسی، سخن ران مراسم اول می سال ۱۳۶۸ سنندج بود که پس از دستگیری اعدام شد.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، بعد از برگزاری روز جهانی کارگر در سنندج، فضای شهر به شدت امنیتی است و بسیاری از فعالین کارگری و کارگران طی تماس های تلفنی تهدید شده اند.

بر اساس این گزارش، بختیار چتانی از دستگیرشدگان اول ماه می با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردید. هم چنین نسترن محمدی از دستگیر شدگان اول ماه می روز ۱۳ اردیبهشت با گذاشتن سند آزاد شد. لازم به ذکر است که روز ۱۲ اردیبهشت ۲ تن از فعالین کارگری آرام زندی و فریدین قادری که سند برای آزادی نام برده تهیه کرده بودند در راه مراجعه به سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در حالی که سوار بر تاکسی بودند به همراه راننده تاکسی مذکور توسط مامورین امنیتی دستگیر و به حفاظت اطلاعات منتقل شدند. راننده تاکسی فوق بعد از ۲ ساعت بازجویی آزاد گردید که مجدداً شنبه ۱۴ اردیبهشت به حفاظت اطلاعات فراخوانده شد و بعد از ۲ ساعت بازجویی و با دادن تعهد آزاد گردید. هم چنین آرام زندی روز ۱۴ اردیبهشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردید و قرار بر این شده است که فریدین قادری نیز ۱۵ اردیبهشت با همان قرار وثیقه آزاد گردد.

سقز

روز چهارشنبه، مراسم گرامی داشت روز جهانی کارگر در میدان «هلو» مقابل «پاساژ ماد» در شهر سقز برگزار شد. به گزارش «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری»، با وجود تدابیر شدید امنیتی، جمعی از کارگران، زنان و مردان آزادی خواه شهر سقز به مناسبت گرامی داشت اول ماه می از ساعت ۷ بعدازظهر به سوی پارک کودک در خیابان شهدا حرکت کردند و سپس به طرف میدان آزادی و میدان هلو راه پیمائی نمودند. گفتنی است که در جلو پاساژ ماد بالاتر از بانک ملی واقع در میدان هلو، یکی از ماموران لباس شخصی به «محمود صالحی»، این چهره سرشناس جنبش کارگری حمله ور شد که مورد خشم مردم و کارگران حاضر در آن مسیر قرار گرفت. بعد از این واقعه، محمود صالحی به سخن رانی پرداخت. وی در سخنانش خطاب به مردم گفت: «اذیت و آزار ماموران تنها به این دلیل است که ما کارگر هستیم و می خواهیم روز جهانی کارگر را برگزار کنیم که این اشخاص مانع مراسم ما می شوند.» ماموران لباس شخصی وقتی حضور گسترده مردم را دیدند از آن مکان دور شدند و مراسم در میان شور و شغف حاضرین به پایان رسید.

لازم به یادآوری است که نام محمود صالحی، به ویژه از سال ۱۳۸۳، نه تنها نام آشنائی برای کارگران و نهادها و سازمان ها و احزاب ایرانی، بلکه برای تشکل های کارگری و سازمان ها و احزاب چپ جهانی نیز نام آشنائی است. وی، حدود هشت سال از زندگی خود را در زندان گذرانده است.

تجمع اول ماه می کارگران در سال ۱۳۸۳ سقز، با تهاجم وحشیانه نیروهای امنیتی مواجه شد و حدود ۵۰ تن دستگیر شدند که پس از ساعاتی همه دستگیرشدگان به جز ۷ نفر آزاد شدند. این هفت نفر عبارت بودند از: محمود صالحی، محسن حکیمی، جلال حسینی، محمد عبدی پور، برهان دیوارگر و اسماعیل خودکام و هادی تنومند. رویداد سقز و تهدید و ارباب دستگیرشدگان روز جهانی کارگر در این شهر، در دوره ای اتفاق افتاد که جناح اصلاح طلبان حکومت در راس قدرت بودند. در هشت سال ریاست جمهوری محمد خاتمی و هم چنین در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، برخوردهای سرکوب گرانه و تحمیل بی حقوقی های فراوان بر کارگران در جریان بوده و تفاوت چندانی در برخورد حاکمیت به جنبش کارگری و تهدید و فشار بر فعالین کارگری دیده نمی شود. قبلا از این ها در دوره ریاست جمهوری هشت ساله رفسنجانی و در دوره هشت سال ریاست جمهوری خامنه ای و نخست وزیری موسوی، یعنی بیش از سه دهه است که کلیه مطالبات و خواسته های بر حق و عادلانه کارگران و همه مردم آزاده سرکوب شده و هم اکنون انبوهی از این مطالبات بر روی هم انباشته شده است.

نقده

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، گزارش داده است بعداز ظهر روز دوشنبه نهم اردیبهشت ماه مراسمی با حضور تعدادی از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گرامی داشت روز جهانی کارگر در خارج از شهر نقده برگزار شد.

مریوان

روز چهارشنبه جمعی از فعالین کارگری شهر مریوان، با توزیع بیانیه، پیام تبریک و شیرینی در میان کارگران ساختمانی «میدان شبرنگ»، خبازی ها، شهرک صنعتی، کارگران کوره پزخانه ها و مرغداری های این شهر و اطراف آن، اول ماه می روز جهانی کارگر را پاس داشتند.

روانسر

بر پایه گزارشات شامگاه ۱۱ اردیبهشت، نیروهای امنیتی حکومت با یورش به منازل سه تن از اهالی روانسر به نام های «میلاد مرادی، لقمان منوچهری و عادل مرادی»، آنان را دستگیر و با خود بردند. فردای آن روز نیز نیروهای امنیتی حکومت مجدداً به این منازل مراجعه و وسایل شخصی و کامپیوتر این افراد را ضبط کردند. آنان هم چنین خانواده های این سه تن را تهدید کردند در صورت اطلاع رسانی دستگیر خواهند شد. عصر روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه، نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی حکومت ضمن ایجاد فضای امنیتی، سه راهی منتهی به جاده جوانرود - پاوه را به کنترل خود درآوردند و اقدام به بازرسی و اذیت و آزار مسافری نمودند و یکی از آنان را نیز دستگیر کردند.

شهرستان ری

هم زمان با مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه معتمدی تهران به مصوبه دست مزد سال ۱۳۹۲ شورای عالی کار رژیم اعتراض کردند. در جریان اعتراض جمعی از کارگران صنایع و کارخانجات تولیدی شهرستان ری به

نمایندگی از سایر کارگران این شهرستان در ورزشگاه معتمدی، حدود ۵۰۰ نفر از اعضای کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نیز آنان را همراهی کردند.

اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد

روز چهارشنبه اول ماه می، با وجود فشارها و تمام سختی های پیش رو، از اولین ساعات کاری در جمع همکاران خود حضور پیدا کردند تا همراه با آن ها روز جهانی کارگر را گرامی بدارند. عوامل کارفرما و حراست به طور مرتب از اعضای سندیکا عکس و فیلم تهیه می کردند تا شاید با رعب و وحشت از استقبال همکاران جلوگیری کنند. بنا به گزارشات، آن ها نه تنها موفق نشدند بین کارگران سندیکائی با همکاران خود ایجاد فاصله کنند، بلکه فشارهای آن ها باعث استقبال بیش تر کارگران از نمایندگان خود شد.

اعضای سندیکا با پخش شیرینی به استقبال همکاران خود رفتند و در چندین پایانه با رانندگان و کارگران شرکت واحد دیدار کردند و روز کارگر را تبریک گفتند و در آخر به پایانه آزادی که یکی از بزرگ ترین پایانه های اتوبوس رانی تهران است مراجعه کرده و با استقبال با شکوه رانندگان روبرو شدند. در این پایانه با تجمع رانندگان و راه پیمائی در زیر پلاکارد تهیه شده از سوی سندیکا، رانندگان خواستار آزادی رضا شهابی عضو زندانی سندیکا شده و برای آزادی وی امضاء جمع کردند.

بعد از مراسم اول ماه می، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، به دیدار یکی از مراکز کودکان کار رفتند و مورد استقبال مسئولین جمعیت کودکان کار و بچه های کار قرار گرفتند. این دیدار با خواندن سرودهایی به مناسبت اول ماه می همراه بود.

بزرگ داشت روز کارگر در بند ۳۵۰ زندان اوین

روز چهارشنبه، مراسم اول ماه می در بند ۳۵۰ زندان اوین با شکوه هر چه تمام تر برگزار شد. با وجود کارشکنی بعضی از جریانات حاضر در بند، این مراسم که شامل اجرای نمایش، سرود و سخن رانی بود با استقبال ساکنین بند ۳۵۰ واقع شد.

در سخن رانی «رضا شهابی» از اعضای سندیکای شرکت واحد در این مراسم به پیگیری سیاست های ضد کارگری از سوی تمامی دولت ها در دو دهه گذشته، که وی فصل مشترک تمامی آن ها را سیاست های: ۱- مقاومت سازی کار ۲- بی کارسازی کارگران ۳- بینوا سازی کارگران برشمرد، اشاره شد. رضا شهابی، از دولت احمدی نژاد به عنوان آخرین قطعه پازل طرح تعدیل ساختاری و خصوصی سازی یاد کرد و آن را ادامه منطقی دولت های سازندگی و اصلاحات دانست. وی، ضمن بر شمردن خواسته های کارگران، تنها راه رهائی کارگران را همبستگی و ایجاد تشکل های مستقل کارگری اعلام کرد.

روز جهانی کارگر در سالن ۱۲ زندان گوهردشت کرج

پیش از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، مراسمی با حضور نزدیک به ۸۰ زندانی در گرامیداشت روز جهانی کارگر در سالن ۱۲ زندان گوهردشت کرج برگزار شد. و با خواندن مقالات، سرودها و اشعار مختلفی از طرف زندانیان همراه بود.

در ابتدای مراسم، سه مقاله با مضامین «مبارزات طبقه کارگر در وضعیت کنونی سرمایه‌داری»، «وضعیت کارگران و طبقه‌کارگر» و «شهدای طبقه‌کارگر» از طرف زندانیان قرائت شد. در ادامه نیز مقاله ای برای معرفی تاریخچه روز جهانی کارگر و مبارزات صورت گرفته در این روز خوانده شد. سپس خالد حردانی، نامه‌بسیار زیبایی را که از زبان پدرش، کارگر کارخانه فولاد اهواز، خطاب به طبقه‌کارگر نوشته بود خواند و پس از او نیز رسول بداغی فعال صنفی معلمان و زندانی سیاسی مقاله ای در رابطه با وضعیت معلمان قرائت کرد. در ادامه زندانیان با هم خوانی دو سرود انقلابی، یاد مبارزان و شهدای طبقه‌کارگر را گرامی داشتند. سپس «شاهرخ زمانی»، فعال کارگری دربند، سرود «به پیش، به سوی سوسیالیزم» را خواند. همچنین زندانیان دو پلاکارد را برای این مراسم تهیه کرده بودند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «کارگران جهان متحد شوید!» و «کارگران جز زنجیرهای اسارت شان چیزی برای از دست دادن ندارند!» همچنین تصویری نیز از سوی زندانیان تهیه شده بود که روی آن دو کارگر که یکی مشعل (نماد آگاهی) و دیگری چکش (نماد ادامه‌مبارزه) در دست داشتند طراحی شده بود.

زندان تبریز

چهارشنبه، زندانیان زندان تبریز روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. این جشن که به همت «محمد جراحی» برپا شد، در بند هشت کار درمانی زندان تبریز، شیرینی توزیع شد. به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، زندانیان این بند، کارگران تحت متادون درمانی هستند و در زندان هم، در کارگاه های کفاشی و تریکوبافی کار می کنند. شرایط کاری و دست مزد در کارگاه های زندان تبریز، در مقایسه با کارگاه های بیرون زندان، بسیار وخیم است. یکی از دلایل تبعید «شاهرخ زمانی» از زندان تبریز به زندان یزد و سپس رجائی شهر، اعتراض وی به این شرایط وخیم بود. محمد جراحی، در پیامی از زندان تبریز، روز جهانی کارگر را به کارگران و فعالان کارگری، به خصوص شاهرخ زمانی و رضا شهابی، تبریک گفت. محمد جراحی، که در زندان به سرطان تیروئید مبتلا شده، هم اکنون تحت پرتو درمانی قرار دارد. با وجود تجویز پزشکان معالج، که طی دوره درمان، استراحت مطلق در منزل را تجویز کرده اند، مقامات زندان و دادگستری تبریز، از مرخصی استعلاجی محمد جراحی، جلوگیری کرده اند.

تجمع کارگران در مقابل مجلس

جمعی از کارگران صبح چهارشنبه، در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش اینلنا، تجمع کنندگان که مضمون پارچه نوشته‌های آن‌ها اختلاف فاحش بین دست مزد ۴۸۷ هزار تومانی و خط فقر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی بود، ضمن اعتراض به گسترش شکاف طبقاتی در جامعه خواستار بازبینی دستمزدهای سال جدید شدند.

این کارگران که در سال گذشته نیز در اعتراض به ناعادلانه بودن دستمزدهای تعیین شده، طومار ۳۰ هزار امضائی را خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی امضا کرده بودند امسال و در ادامه پیگیرهای خود در این تجمع حاضر شدند.

تجمع کنندگان با بیان این که با وجود حمایت همه جانبه و گسترده کارگران سراسر کشور از درخواست برای افزایش مزد، مسوولان مربوطه در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هیچ گاه به این خواسته‌ها توجهی نکردند، افزودند: واکنش منفعلانه مسوولان در حالی است که هم اکنون پنج هزار کارگر دیگر نیز با امضای طومار یاد شده حمایت خود را از درخواست برای افزایش مزد اعلام کرده اند.

این کارگران افزودند: از آن جا که این روزها نمایندگان مجلس بدون توجه به نگرانی کارگران در کمسیون تلفیق بودجه تلاش می کنند تا که به طور قانونی مجوز افزایش قیمت کالاهای اساسی را صادر کنند، در آستانه اولین سالگرد امضای طومار اعتراضی کارگران در مقابل مجلس حاضر شده ایم تا اعتراض مزدبگیران را به نمایندگان مجلس بگوئیم.

اعتصاب بیش از یک هزار کارگر «شرکت صدرا» در بوشهر

از صبح روز سه شنبه ۱۰ اردیبهشت ماه، بیش از یک هزار کارگر شرکت های پیمان کاری زیر مجموعه شرکت صدرا در اعتراض به عدم پرداخت دست مزد ماه های بهمن و اسفند سال گذشته و فروردین ماه امسال خود دست به اعتصاب زدند. هم چنین کارگران اعتصابی، «طی بیانیه به مناسبت اول ماه می ضمن شادباش روز جهانی کارگر تأکید کرده اند مانند دیگر کارگران ایران و دنیا این روز فرخنده را گرامی می داریم و اعلام می کنیم در برابر ظلم و جور ساکت نمی نشینیم و فریاد بر می آوریم که همصدا با دیگر همدردان جامعه کارگری حق خودمان را از حقوق سرمایه داران بیرون می کشیم.»

اعتصاب کارگران کارخانه نوب مس خاتون آباد

اعتراض کارگران کارخانه نوب مس خاتون آباد که از روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت، با بستن دروازه ورودی این کارخانه آغاز شده بود شب با حضور عوامل یگان ویژه به تعطیلی کشید. به گزارش خبرنگار ماهان نیوز، جمعیت حدود ۳۰۰ نفری کارگران مجتمع نوب مس خاتون آباد در اعتراض به وعده های مسوولان مس درباره استخدام این نیروها از روز چهارشنبه با بستن دروازه ورودی این مجتمع دست به اعتراض زدند.

این کارگران معترض که در دو مجتمع مس خاتون آباد و می دوک تعدادشان بالغ بر ۲۴۰۰ نفر می شود، از حدود ۲ سال قبل، با تعطیلی شرکت های واسطه ای و کار زیر نظر خود دستگاه ها و شرکت های اصلی، از شرکت های مختلف به مجموعه شرکت سرمایه گذاری مس سرچشمه پیوستند. شرکت سرمایه گذاری مس نیز طبق قراردادی که با این کارگران بسته است وعده استخدام این نیروها را بعد از گذشت یک سال از مدت قراردادهایشان داده است که با گذشت حدود ۱۸ ماه از وعده داده شده هنوز خبری از استخدام نیروها نیست.

به یاد داریم که در اواخر دی ماه سال ۱۳۸۲ با پایان یافتن کار ساختمان مجتمع مس خاتون آباد در شهر بابک کرمان، حدود ۲۰۰ نفر از کارگران این مجتمع اخراج شدند.

در اعتراض به این اقدام کارفرما، کارگران اخراجی همراه خانواده هایشان دست به اعتصاب و تحصن زدند. پس از به نتیجه نرسیدن اعتصاب و تحصن، کارگران اقدام به بستن جاده خاتون آباد - شهر بابک کردند.

اما نیروی انتظامی با اعزام چند فروند هلی کوپتر از کرمان، کارگران را پراکنده کرد و این اقدام اعتراضی کارگران به نتیجه نرسید. در نتیجه کارگران به ناچار در مقابل فرمانداری شهر بابک تجمع کردند. اما این بار تجمع

کارگران به گلوله بسته شد که در طی آن چهار نفر از کارگران به نام های ریاحی، جاویدی، مهدوی و مومنی کشته شدند.

در پی شکایت یکی از تشکل های کارگری بین المللی به سازمان جهانی کار ، پرونده ای در مورد این کشتار تشکیل شد. اما تا کنون هیچ نتیجه از چگونگی پیشرفت آن منتشر نشده است. هم چنین با شکایت خانواه های کارگران کشته شده ، پرونده دیگری در دادگستری شهر بابل تشکیل شد که در مورد فرجام این پرونده نیز خبری نشده است.

آن چه که در بالا به عنوان نمونه هائی از مراسم ها و راه پیمائی های با شکوه کارگران جهان و ایران اشاره کردیم به بحث خود در رابطه با موقعیت کارگران ایران ادامه می دهیم.

امسال، روز جهانی کارگر در ایران، در شرایطی برگزار شد که به دلیل اوضاع بحرانی کشور و خشم کارگران، نیروهای امنیتی سعی کردند با کارگران درگیر نشوند. تعیین دست مزد ۴۸۷ هزار تومانی از سوی شورای عالی کار، نه تنها هیچ تناسبی با تورم و گرانی ندارد، جامعه ایران با تورم و گرانی و بی کاری و فقر سرسام آوری روبرو است.

به گزارش رسمی بانک مرکزی ایران، نرخ تورم تا در اسفند ماه سال گذشته و هنگام تعیین سطح دست مزد کارگران برای سال ۹۲ کارگران، ۳۱/۵ درصد اعلام کرده بود در حال حاضر باز هم بنا به گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم در ایران به ۴۰ درصد بالغ شده است. برخی آمارهای غیررسمی نرخ تورم در ایران را بیش از ۵۰ درصد و خط فقر را بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می دانند. بر این ، افزایش ۲۵ درصدی دست مزد کارگران، هیچ تناسبی با تورم و گرانی واقعی در بازار ندارد. در همین یک ماه گذشته بسیاری از کالاهای ضروری مردم از ۴۰ تا ۷۰ درصد افزایش داشته است. حتی همین دست مزدهای ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی گردد. صدها هزار کارگر، از یک ماه تا سه سال دست مزد معوقه دارند.

گفته می شود سه میلیون کارگر در کارگاه های کوچک کم تر از ده نفر کارگر مشغول به کار هستند که دست مزدهای تعیین شده شامل حال آن ها نمی شود. چون که کارگران این کارگاه ها که اکثر کودکان و زنان هستند در دوران ریاست جمهوری خاتمی و ریاست کربوبی در مجلس شورای اسلامی، از شمول قانون کار خارج شدند.

در این میان بسیاری از کارگران ایران به دلیل این که قراردادی هستند، زیر پوشش بیمه بی کاری قرار نمی گیرند. بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی ایران، کارگران چنان چه دو سال پیاپی در یک کارگاه مشغول به کار باشند و حق بیمه آنان واریز شود، مشمول دریافت بیمه بی کاری خواهند شد، اما آن گونه که دبیر کل خانه کارگر گفته است: «۷۰ درصد کارگران ایران قراردادی هستند.»

به گزارش «روزنامه شرق»، در ۸ سال گذشته سالانه به طور متوسط ۲۰۰ هزار کارگر در ایران مشاغل خود را از دست داده و بیش از ۳۶۰۰ واحد تولیدی در ۴ سال گذشته تعطیل شده اند.

به گزارش ایلنا، علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر، در مراسم اول ماه می خانه کارگر، گفته است که به گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه بیش از ۴۰ درصد بوده و افزایش ۲۵ درصد در نرخ دست مزد جبران کننده کاهش قدرت خرید کارگران نیست.

به اقرار حسین کمالی، دبیرکل حزب اسلامی کار حکومت، بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی مشکل دارند و کارگران آن ها به صورت گروهی اخراج می شوند.

گفته‌های محمد برخوردار، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن استان تهران هم نشان می‌دهد که در یک سال گذشته اشتغال صنعتی کشور با کاهش ۴۳ درصدی روبرو بوده است. پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس از کاهش ۴۰ درصدی اشتغال در واحدهای صنعتی و تولیدی خبر داده بود.

گزارش‌ها از تعطیلی ۱۲۰۰ واحد تولیدی در سال ۹۰ خبر می‌دهد، برآورد می‌شود در سال ۹۱ هم تعداد واحدهای تعطیل شده بیش از این باشد، در سال‌های ۸۹ و ۸۸ هم ۷۰۰ و ۵۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده‌اند (در کل حداقل ۳۶۰۰ واحد تولیدی در ۴ سال گذشته تعطیل شده‌اند). آمارها از میانگین بی‌کاری سالانه ۲۰۰ هزار کارگر هشت سال اخیر حکایت می‌کند.

ابراهیم بهادرانی، معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی در تشریح گزارش تورم این اتاق از سابقه يك تا ۱۵۶ درصدی تورم در ایران، رشد ۳۶۰ برابری نرخ ارز از زمان دالر ۷ تومانی، تورم ۴۹ درصدی در دولت هاشمی و رتبه ۱۳ کسب و کار ایران در میان ۱۵ کشور خاورمیانه خبر داد و اظهار داشت: برای رفع موانع و بهبود فضای کسب و کار رسیدگی به بحث‌هایی مثل تورم، اشتغال و رشد اقتصادی اولویت بیش‌تری دارد که در واقع تورم به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید پول گفته می‌شود.

او، افزود: رتبه کسب و کار در سال ۲۰۰۵ در بین ۱۸۳ کشور برای کشور ۱۱۳ و در سال ۲۰۱۲ ایران رتبه ۱۴۴ در وضعیت کسب و کار در بین ۱۸۳ کشور داشته است و در بین ۱۵ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه کشور ما ۱۳ است به طوری که عربستان در دنیا رتبه ۱۲، امارات رتبه ۳۳، قطر رتبه ۳۶، بحرین رتبه ۳۸ و اردن رتبه ۶۹ را دارد.

در این میان، وضعیت زنان کارگر نسبت به همکاران مردشان بسیار وخیم‌تر است و در بی‌کسب‌کاری‌ها نخست آنان اخراج می‌گردند. دبیرکل خانه کارگر، با استناد به گزارش مرکز آمار می‌گوید شمار زنان بی‌کار در سال‌های اخیر دو برابر شده است. فعالین کارگری می‌گویند زنان اولین قربانیان اخراج‌ها، دست‌مزدهای نابرابر و تبعیض جنسیتی هستند.

علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر می‌گوید میزان اشتغال زنان کارگر به نسبت تعداد کل کارگران در سال‌های اخیر بین ۱۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده و این مسأله نشان می‌دهد ورود زنان به بازار کار افزایشی نداشته است. یکی دیگر از مشکلات زنان کارگر، تعطیلی کارگاه‌های بزرگ تولیدی و اجبار آن‌ها به کار در کارگاه‌های کوچکی عنوان می‌شود که مشمول قانون کار نیستند. کارگاه‌های زیر پنج نفر و ده نفر کارگر از شمول قانون کار خارجند و هیچ‌گونه کنترل دولتی و قانونی در آن‌ها وجود ندارد. از این رو، کارفرمایان بیش‌تر زنان و کودکان را با دست‌مزد کم‌تر و ساعات کار بیش‌تر شدید استثمار می‌کنند. گفته می‌شود میانگین حقوق این کارگران ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و ساعات کاری آن‌ها بیش از ۱۰ تا ۱۲ ساعت است.

ضمن تأکید بر این که زنان سرپرست خانوار و بی‌سرپرست به خصوص زنان ساکن روستاها، در قلاکت زندگی می‌کنند. گفته می‌شود بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانواده، اکثر بی‌کار هستند و یا به کارهای دست‌فروشی و شغل‌های کاذب مشغول هستند.

بحران‌های اقتصادی ایران، سبب شده است که هر چه بیش‌تر از خانواده‌های کارگری به دلیل بی‌کسب‌کاری و گرانی و فقر نتوانند زندگی خود و فرزندانشان‌شان را تأمین کنند از این رو، در این خانواده‌ها روزبروز آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر و بیش‌تر می‌شود. یکی از اولین آسیب‌های اجتماعی، بازماندن خانواده‌های محروم از تحصیل است.

سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد که بیش از ۳/۵ میلیون کودک بین ۶ تا ۱۷ ساله از تحصیل بازمانده اند که یا اصلاً به مدرسه نرفته‌اند یا در طول سال‌های تحصیل به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده اند. اخیراً خانم قاسم زاده استاد دانشگاه و فعال حقوق کودکان، اعلام کرده است که ایران حدود سه میلیون کودک کار دارد. بیش تر این کودکان در کارگاه‌های زیر ده نفر به کار گرفته می‌شوند که از شمول قانون کار خارج است و هیچ کنترل و بازرسی در آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

هم‌چنین تحقیق گروهی از دانش‌جویان پزشکی دانشگاه یزد نشان می‌دهد که نیمی از زنان کارگر صنعت قالی بافی و گلیم‌بافی کشور که کم‌تر از ۱۶ سال سن دارند، در روز بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می‌کنند و بیش از ۱۰ نوع بیماری‌های مختلف پوستی، استخوانی و عضلانی در میان این دختران نوجوان شناسایی شده است. آمار غیررسمی می‌گوید بیش از ۹۰ درصد کارگران شاغل در این صنعت را زنان تشکیل می‌دهند.

در پژوهش دیگری که از کارگاه‌های قالی بافی شهر اصفهان انجام شده است، موارد متعددی از بیماری‌های تنفسی، سردردهای شدید، امراض پوستی و ناراحتی‌های چشمی میان زنان کارگر شناسایی شده است.

از آن جایی که بسیاری از زنان کارگر در تولیدی‌های کوچک با کم‌تر از ۱۰ کارگر اشتغال دارند، از حق بیمه و خدمات پزشکی رایگان نیز محرومند و عملاً دسترسی کم‌تری به خدمات پزشکی برای درمان دارند.

بر اساس آمارهای رسمی، از ۲۴ میلیون شاغل موجود در ایران، فقط ۵ میلیون نفر و از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بی‌کار کشور نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر زن می‌باشند. اما آمار غیررسمی حالی از دو برابری بی‌کاران کشور با آمارها رسمی است.

برای نمونه: عسلویه که زمانی ۴۰ هزار کارگر در اشتغال داشت و یکی از قطب‌های صنعتی بسیار مهم کشور به حساب می‌آمد، هم‌اکنون کل کارگران شاغلش، تا ۴ هزار کارگر کاهش یافته است. البته در این میان، عسلویه منحصر به فرد نیست، کارخانه‌های بسیار دیگری که زمانی هزاران کارگر در آن‌ها کار می‌کردند، اکنون یا به تمامی تعطیل شده‌اند یا نیمه تعطیل‌اند و کم‌ترین جمعیت کارگری در آن‌ها باقی مانده‌اند.

آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، نشان می‌دهند که در طول سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، سالانه دست‌کم صد هزار شغل از خالص مشاغل کشور از بین رفته و همین به تنهایی گویای عدم صحت آمار رسمی بی‌کاری در کشور است.

معدود کشورهایی در جهان وجود دارند که وضعیت اشتغال‌زایی برای زنان در آن‌ها نامناسب‌تر از ایران باشد. در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد شغل، در میان ۱۱۳ کشوری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ایران در رده ۱۰۳ و در میان ۳۳ کشور آسیایی در رده ۲۹ قرار گرفته است.

جمع بندی

شش ماه حقوق معوقه، ۲۰ ماه حقوق معوقه، سه‌سال حقوق معوقه، و مزایا و عیدی سال ۸۶ تاکنون، تعدیل ۲۰۰ کارگر، بازخرید کارگران و بلا تکلیفی و بی‌کاری کارگران، ضعف مدیریت، بدهی به بانک‌ها، تأمین اجتماعی، استفاده از مرخصی اجباری و...، برخی از وضعیت نابسامان کارگران ایران را نشان می‌دهند. کارگران در حرکت‌های اعتراضی خویش در یک سال گذشته بارها اعلام نمودند که «ما گرسنه ایم»، اما جواب مسئولین حکومتی جز سرکوب و وعده‌های توخالی چیز دیگری نبوده است.

واگذاری طرح های بزرگ عمرانی به ویژه در عرصه نفت و گاز به سپاه پاسداران، سرمایه گذاری ها کلان در عرصه میلتاریسم، دزدی ها و غارتگری ها، حذف سوبسیدهای دولتی، تحریم های بین المللی، برنامه ریزی های اقتصادی غیر علمی و غیر اجتماعی، هرج و مرج بی سابقه را به خصوص در عرصه تولید حاکم نموده است که دود آن با بی کارسازی ها و گرانی و فقر به چشم خانواده های کارگری می رود.

در حالی که نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی حدود ۴۰ درصد اعلام شده و خط فقر در آغاز سال ۱۳۹۲، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می شود، دست مزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه است و حقوق کارگران شاغل نیز به هیچ رو کفاف زندگی آنان را نمی دهد. مضافا این که همین حقوق ناچیز نیز اغلب با ماه ها تعویق پرداخت می گردد. بخش وسیعی از کارگران به طور روز مزدی کار می کنند و نتیجتا فاقد بیمه های بی کاری یا آسیب دیدگی هستند. این در حالی است که حوادث ناشی از کار به علت فقدان ایمنی محیط و وسایل لازم، رشد فزاینده ای داشته است.

به اعتراف رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، شاخص کیفیت زندگی در ایران به رتبه ۱۵۰ تنزل پیدا کرده است. به نوشته «روزنامه بهار»، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس حکومت در همین ارتباط، چنین اقرار کرده است: «کیفیت زندگی مردم ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از رتبه ۸۸ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۰ تنزل پیدا کرده است.»

معیار رتبه بندی اقتصادی و اجتماعی کشورها، شاخص کیفیت زندگی نام گذاری شده است. از جمله این معیارها، سرانه تولید ناخالص ملی، امید به زندگی، ثبات سیاسی و امنیت، آزادی سیاسی، امنیت شغلی و برابری جنسیتی هستند.

سحرخیز معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، در مراسم تجلیل از معلمان کشوری و استانی در زنجان، گفت: ... با این وجود طبق آمارهای اعلام شده ۷۶ درصد از بی کاران کشور، مدرک لیسانس و بالاتر دارند...»

نرخ بی کاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله، حاکی از آن است که ۲۴/۵ درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۲۹ ساله بی کار بوده اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستائی بیش تر بوده است. بررسی سهم شاغلین ۱۵ ساله و بیش تر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بیش تر نشان می دهد ۴۰/۶ درصد شاغلین به طور معمول بیش از ۴۹ درصد در هفته کار می کنند. این شاخص که یکی از نماگرهای کار شایسته است، نشان می دهد در کشور سهم زیادی از شاغلین بیش تر از استاندارد کار می کنند.

در حالی که بسیاری از روستاهای ایران، فاقد درمانگاه و پزشک هستند و در حالی که مسئولین بیمارستان ها و درمانگاه ها، همواره از کمبود پرستار و پزشک می نالند، در آخر بهمن ماه سال گذشته، سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، گفته بود: «اکنون ۸۰۰ هزار پزشک عمومی بر اساس شماره های نظام پزشکی در کشور وجود دارد اما نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر از این افراد در حرفه خودشان مشغول به کار نیستند.»

خبرگزاری حکومتی آفتاب نیز در روز ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، نوشت: «بین ۱۰ تا ۱۵ هزار پزشک، شغل طبابت را رها کرده و به مشاغلی چون فروش موبایل و مسافركشی روی آورده اند.»

آفتاب نوشت: «... از یک سو بین ۱۰ تا ۱۵ هزار پزشک، شغل طبابت را رها کرده و به مشاغلی چون فروش موبایل و مسافركشی روی آورده اند تا درمان برای شهروندان و ساکنان روستاها و شهرهای محروم اکسیری نایاب

شود. «دکتر داریوش طاهرخانی»، عضو شورای عالی نظام پزشکی در گفتگو با تهران امروز، این ماجرای عجیب را نتیجه بی‌توجهی سیاست‌گذاران به واقعیت‌ها و هم‌چنین عدم وجود امنیت شغلی برای پزشکان، به ویژه پزشکان عمومی می‌داند. دکتر محمدمهدی گل‌مکانی، مدیرکل سلامت شهرداری تهران هم تأکید می‌کند که دولت آینده باید برنامه‌ای جامع برای حل مشکل جامعه پزشکان و بیماران که امروز بیش از ۸۰ درصد هزینه‌های درمان را از جیب می‌پردازند، داشته باشد.

طاهرخانی می‌گوید که در حال حاضر جمعیت پزشکان عمومی در ایران به گونه‌ای است که به ازای کم‌تر از هر ۱۰۰۰ نفر، یک پزشک عمومی در کشور وجود دارد. اما این تعداد توزیعی مناسبی ندارند. برای همین، هم‌با معضل پزشکان بی‌کار روبرو هستیم و هم مناطق محروم ما از کمبود پزشک رنج می‌برند. براساس آمارهای «ایرج خسرونیاء» رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران، در حال حاضر در روستاها به ازای هر چهار هزار نفر یک پزشک و در شهرها به ازای هر دو هزار نفر یک پزشک داریم، این در حالی است که باید نسبت به جمعیت به ازای هر هزار نفر یک پزشک وجود داشته باشد. «دکتر کاظم عباسیون» عضو هیات رئیسه جامعه جراحان ایران هم هشدار می‌دهد که هر ۱۵ مورد معاینه بی‌وقفه بیماران توسط یک پزشک، میزان خطا در معاینات بعدی را ۳۰ درصد افزایش می‌دهد. دکتر ایرج خسرونیاء، رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران هم می‌گوید: «تنها ۱۰ درصد پزشکان درآمد خوبی دارند و ۴۰ درصد می‌توانند مخارج‌شان را تأمین کنند اما ۵۰ درصد بقیه که اکثر آن‌ها پزشکان عمومی اند دچار مشکل هستند.» پزشکانی که به گفته خسرونیاء، به کارهایی هم چون موبایل‌فروشی، بنگاه مسکن و مسافرکشی روی آورده‌اند. به گفته ایرج خسرونیاء، اغلب پزشکان در مناطق دور از پایتخت وضعیت معیشتی خوبی ندارند به طوری که برخی از آن‌ها در روز دو نفر مریض هم برای ویزیت ندارند. بیش‌ترین آمار بی‌کاری هم دامنگیر پزشکان عمومی است که سه چهارم اعضای جامعه پزشکی کشور را شامل می‌شوند.

رئیس سازمان نظام پزشکی هم گفته است: «طبق مطالعات انجام شده در کشور روزانه بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر در ایران دچار سکنه مغزی می‌شوند و با توجه به سالمند شدن جامعه این عارضه در آینده افزایش خواهد داشت بنابراین ایجاد مراکز اختصاصی درمان سکنه مغزی الزامی است. خبرگزاری فارس، نوشت: روزانه ۳۰۰ ایرانی سکنه مغزی می‌کنند/ مرکز درمان سکنه مغزی در کشور نداریم.» در کشوری که پزشکان بی‌کار باشند دیگر روشن است که افراد با سواد کم و بدون تخصص، شانس چندانی برای پیدا کردن ندارند.

هم‌اکنون، بزرگ‌دغدغه کارگران و بی‌کاران و محرومان جامعه ایران، تأمین نیازهای روزمره خود و خانواده‌هایشان است. در نتیجه سیاست‌های اقتصادی حکومت اسلامی، کارگران ایران در حال حاضر نه امنیت شغلی و نه امنیت اقتصادی و نه امنیت سیاسی و اجتماعی دارند. اکنون انبوهی از مطالبات مختلف کارگران روی هم‌تلنبار شده است. آنان، در کنار مبارزه برای دریافت دست‌مزدهای معوقه، افزایش دست‌مزدها متناسب با گرانی و تورم موجود، آزادی زندانیان سیاسی به ویژه کارگران زندانی، بی‌کارسازی‌ها، مهم‌ترین امرشان مبارزه برای برپائی تشکل‌های توده‌ای‌شان است. یعنی فعالین و رهبران کارگری، به این امر آگاهاند که بدون این تشکل و سراسری کردن اعتراضات کارگران نمی‌توانند در مقابل تهاجم وحشیانه سرمایه‌داران و دولت جانی‌آن‌ها بایستند. اما در همین راستا، کارگران موانع مختلفی پیش روی خود دارند؛ موانعی هم‌چون فشارها و سرکوب‌های پولیسی، ترس از اخراج، مشکلات اقتصادی، عدم تجربه کافی در امر سازمانی دهی و فعالیت متشکل، سکتاریسم، به ویژه

گرایش‌های مختلفی که افق و چشم انداز متفاوتی را دنبال می‌کنند از جمله موانع کارگران در جهت تشکل‌یابی شان است.

در جامعه سرمایه‌داری، به ویژه در کشوری هم چون ایران، برای بالابردن دست مزد بخور و نمیر و بهبود شرایط کار، بدون اعتراض و اعتصاب عملی نیست. در صورت اعتراض کارگران، با سرکوب و زندان و شکنجه حاکمیت نیز روبرو می‌شوند.

اعتراضات گسترده با جو خفقان و ترور پاسخ کارگران بوده است که در نتیجه آن فعالین کارگری مانند شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهروز علامه زاده، بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی، غالب حسینی، هنام ابراهیم زاده، علی آزادی، پدram نصرالهی، مهدی فرحی شان‌دیز، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به جرم دفاع از حقوق صنفی و اعتراض به ستم و نابرابری های حاکم در زندانند و ستار بهشتی که زیر شکنجه در زندان به قتل رسیده است.

در هر صورت، همه شواهد نشان می‌دهد که جامعه ایران، آستان حوادث مختلفی است. بحران اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی در ایران، به خط‌قرمزها رسیده‌اند. یعنی دیر و یا زود جامعه ایران مانند بمب ساعتی منفجر خواهد شد و بحران سیاسی و اجتماعی سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت. در چنین شرایطی، اگر طبقه کارگر متشکل و متحد نباشد هر تغییری نیز در حاکمیت ایران به وجود آید باز همه به نفع کارگران تمام نخواهد شد. از این رو، طبیعی ست که فعالین کارگری، حامیان طبقه کارگر و نیروهای سیاسی سوسیالیست و آزادی خواه و برابری طلب، با خلوص نیت و بدون چشم داشت اولویت مبارزه شان را به برداشتن موانع تشکل‌یابی کارگران اختصاص دهند.

در جهان امروز، سندیکالیسم و رفرمیسم که گرایش غالب در جنبش کارگری جهان است طبقه کارگر را به سیاهی لشکر و نیروئی که با آرای میلیونی خود، احزاب رفرمیست سوسیال دمکرات و چپ پارلمانی به قدرت برسانند کارگران را از موضع طبقاتی شان دور کرده‌اند و عملاً مانع پیشروی طبقه کارگر با استراتژی طبقاتی اش به عنوان یکی از طبقات اصلی جامعه شده‌اند. از این رو، طبقه کارگر در جهان امروز، بیش از هر زمانی دیگری به تشکل‌هایی چون «انترناسیونال اول»، که مارکس و انگلس این بنیان‌گذاران سوسیالیسم و علم‌رهای بشر در راس آن بودند نیاز دارد تا بدیل طبقاتی خود را در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل جوامع قرار دهد و در نهایت جامعه‌ای به وجود آورد که در آن، هیچ ملیتی و جنسیتی بر دیگری برتری نداشته باشد؛ کودکان به جای کار مشغول تحصیل و تفریح باشند؛ بازنشستگان در رفاه و آرامش زندگی کنند؛ زن و مرد به معنای واقعی برابر باشند؛ از سانسور و زندان و شکنجه و اعدام خبری نباشد؛ همه انسان‌ها در فضائی آزاد و آرام و امن و صمیمانه و پررفاه در کنار هم زندگی کنند و جامعه نوینی بسازند که یک بار برای همیشه به استثمار انسان توسط انسان خاتمه داده شود!

یکشنبه پانزدهم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۲ - پنج‌می ۲۰۱۳